

موالات در طواف.

میان طواف و نماز آن، سعی، و رمی جمرات

سجاد کوهی خشه حیران*

چکیده

اعمال و رفتارهای مشروع انسان در شریعت اسلام، گاهی برگرفته از رفتارهای عرفی است و عرف حدود و ثغور آن را مشخص می‌کند و گاه توقیفی بوده و نیازمند بیان شارع است. حج از آن جمله عبادات است که توقیفی بوده و در جای جای آن نیامند بیان شارع هستیم. آنچه در این نوشتار به پژوهش در این باره پرداخته‌ایم که آیا فاصله میان یک عمل و یا میان اعمال مانع کلیت و صحت این عبادت مرکب می‌شود یا خیر؟ به بیان دیگر هیأت اتصالی بین اعمال و حرکات در حج واجب است یا خیر؟ طبق فحوص و جستجویی که انجام گرفت، به این نقطه رسیدیم که در برخی از اعمال موالات واجب بوده و در برخی دیگر خیر. ملاک در تشخیص تحقق موالات و یا عدم آن، عرف است.

کلیدواژه‌ها: حج تمتع، عمره، موالات، طواف، سعی، نماز طواف، رمی جمرات

مقدمه

اعمالی که به صورت تدریجی محقق می‌شوند، محل بحث در مورد اشتراط و عدم اشتراط موالات است؛ به این معنا است که آیا باید اعمال به صورتی انجام پذیرند که به هم پیوستگی داشته باشند و هیأت اتصالی آن، به صورت عرفی از بین نرود؟ حج

* . کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی
sajjadkoohi313@ut.ac.ir

نیز از همان عباداتی است که تدریجی انجام می‌پذیرد؟ علاوه بر اینکه این عمل، دارای اجزای مختلفی است که آنها نیز تدریجی هستند. فلذا هم در خود اجزاء بحث موالات مطرح می‌شود و هم بین اجزا.

در باره اینکه آیا در اجزاء حج؛ مثل طواف و سعی و رمی جمرات و... همچنین بین این اجزاء، موالات لازم است یا نه، به صورت منسجم بحثی صورت نگرفته و نوشتاری وجود ندارد. هر چند در متون متعدد فقهی به صورت پراکنده و جسته و گریخته ذیل هر بحثی، به فراخور هر مبحثی، مباحثی مطرح شده و تمرکز بر صرف موالات نبوده است. البته مباحثی که فقهای گرانقدر در این زمینه قلم فرسایی کرده‌اند بسیار ارزشمند و دقیق می‌باشد. اهمیت و ضرورت این موضوع، با توجه به مبتلابه بودن و عدم تحقیق منسجم در این باره، بیشتر احساس می‌شود. حاجی که در اثنای اعمال، به هر دلیلی وقفه و فاصله - ای در اعمال می‌اندازند، وظیفه شرعی شان مرهون نتیجه این مسأله است که آیا اعمالشان را از اول شروع کنند یا ادامه دهند؟

بنابراین، به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا در اجزای حج و همچنین میان اجزای حج موالات لازم است یا خیر؟ آیا برای صحت حج، اجزای حج باید از به هم پیوستگی عرفی برخوردار بوده و هیأت اتصالی اش برقرار باشد یا خیر؟

بخش اول: معنا شناسی موالات

در لغت کلمه «موالات»، مصدر باب مفاعله از ریشه «و-ل-ی» است. «ولی»، «یلی» به معنای پشت سر یک چیز در آمدن است که هیچ فاصله‌ای بین این دو شیء وجود نداشته باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۸۵) لذا کلمه «موالات» از آنجا که وارد باب مفاعله شده، علاوه بر معنای اتصال بین دو چیز، حیثیت دو طرفی را هم لحاظ می‌کند؛ به این معنا که شیء اول نسبت به دوم و شیء دوم نسبت به اول متابعت و اتصال دارند و چیزی غیر از خودشان، بینشان فاصله نشده است (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۷۲).

اما در اصطلاح فقهی «موالات» به معنای پشت سر هم انجام دادن یک عمل است البته به گونه‌ای که از نظر عرفی و متعارف، فاصله زیادی بین اعمال اتفاق نیفتد. (نجفی، کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۳۳) گرچه در هر بابی از فقه، تعریفی خاص نسبت به خودش بیان شده است؛ برای مثال، در بحث وضو موالات را به معنای عدم فاصله بین اجزا معنا کرده‌اند اما با این مناط که

این توالی باید به گونه‌ای باشد که جزء قبلی در هنگام شروع، به جزء بعدی به صورت متعارف خشک نشده باشد. البته در موضوعات مختلف اختلاف نظرهایی در تعریف موالات شده است که مجال مطرح کردن آن وجود ندارد. (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۱۴)

اما در مبحث حج، همان تعریف مصطلح کلی مطرح شده مد نظر قرار می‌گیرد. که به فراخور هر بحثی حکم آن نیز در بخش های بعدی مطرح می‌گردد.

بخش دوم: مناك و ملاك موالات:

موالات در اعمالی مطرح می‌شود که تدریجی بوده و دارای اجزاء هستند؛ برای نمونه، در نماز، وضو، غسل و... که دارای اجزای متعدد تدریجی هستند، موالات معنی می‌یابد. به‌طور کلی ملاك و مناطی که برای موالات در کتب فقهی مطرح شده، این است که آن عمل از جهت توالی و اتصال، به گونه‌ای انجام شود که از نظر عرفی از صورت و شکل مشخص خود خارج نشود. به فرض مثال، عرف این عمل او را نماز خواندن یا وضو گرفتن یا طواف کردن بدانند.^۱ (یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۰۸)

بخش سوم: موالات بین طواف و نماز آن

با توجه به روایات این باب و همچنین فتاوی‌ای عده‌ای از فقها، نماز طواف در طواف‌های واجب، واجب است؛ یعنی چه در حج قرآن و چه افراد و چه تمتع، واجب است که بعد از طواف، نماز طواف خوانده شود. اما در طواف‌های مستحب، نیازی به نماز طواف نیست. (خمینی، ص ۱۱۸)

نظرات فقها:

برخی از فقها، با توجه به اینکه تأخیر صلاة را مختص به طواف نافله کرده‌اند، می‌توان استفاده کرد که قائل به وجوب موالات بین طواف و نماز طواف هستند.

۱. العروة الوثقی (المحشی)؛ ج ۲، ص ۲۰۸؛ «الثالث: الموالاة و إن كان بدلاً عن الغسل، و المناط فیها عدم الفصل المخلّ بهیئته عرفاً بحیث تمحو صورته».

(حلی، یحیی بن سعید، ۱۴۰۵، ص ۲۰۰) اما بعضی دیگر به صراحت فاصله انداختن بین طواف و نماز را غیر مجاز می‌دانند (بحرانی، ج ۱۶، ص ۱۴۹). عده‌ای قائل هستند که باید نماز را بلا فاصله بعد از طواف انجام داد و واجب فوری است. اما وجوبش وجوب تکلیفی است؛ یعنی به تأخیر انداختن حتی عمدی آن، باعث بطلان حج یا نماز و یا طواف نمی‌گردد. (نجفی، کاشف الغطاء، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۶۲) و عده‌ای دیگر با واحد مجموعی دانستن حج، واجب می‌دانند که نماز بلافاصله بعد از طواف خوانده شود (خویی، ج ۲۹، ص ۱۰۷).

بررسی مسأله:

دلالت روایات:

در روایت صحیحه است که از حضرت امام باقر علیه السلام سوال شد: اگر شخصی طواف واجب به جا آورد و طوافش زمانی تمام شد که خورشید غروب کرده. [آیا نماز طواف را بخواند یا ابتدا نماز مغرب را به جا آورد؟] حضرت فرمودند: «وَجَبَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ السَّاعَةَ الرَّكْعَتَانِ فَلْيُصَلِّهُمَا قَبْلَ الْمَغْرِبِ» بر او واجب است که همین لحظه دو رکعت نماز طواف را به جا آورد. (وسائل الشیعه، باب ۷۶ از ابواب طواف، حدیث). این روایت صحیحه است.

از این روایت استفاده می‌شود که غروب آفتاب بوده و ظاهر آن این است که وقت نماز مغرب هم هنگام غروب آفتاب است. بنا بر این، سوال کننده در صدد است پرسد که آیا باید نماز طواف را قبل از نماز مغرب بخواند یا می‌تواند تأخیر بیندازد و نماز مغرب را بعدا بخواند. امام امر می‌کند که نماز طواف مقدم بر نماز مغرب باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که طبق این روایت، تأخیر انداختن نماز طواف جایز نیست:

۱. امام باقر علیه السلام: زمانی که از طواف فارغ شدی، به مقام ابراهیم برو و دو رکعت نماز به جا آور... این نماز را هیچ وقت به تأخیر نینداز. (وسائل الشیعه، باب ۷۶ از ابواب طواف، حدیث ۳) این روایت صحیحه است.

این روایت بر این مطلب دلالت دارد که تأخیر انداختن نماز طواف جایز نبوده و واجب است بلافاصله انجام پذیرد. بنا بر این، طبق این روایت نیز موالات لازم است.

۲. امام علیه السلام می فرماید: بعد از طواف، نماز طواف را بخوان و اگر هم در اوقات مکروهه قرار گرفتی، اشکال ندارد و می توانی نماز طواف را بخوانی. حضرت در ذیل روایت تصریح می کنند که بعد از طواف هرگز نماز طواف را تأخیر نینداز.^۱ این روایت نیز تصریح دارد که تأخیر نماز طواف جایز نیست، حتی اگر در اوقاتی قرار گرفته باشد که نماز خواندن مکروه است.

۳. راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد نماز طواف واجب پرسیدم: حضرت فرمودند: آن را به تأخیر نینداز و هرگاه طواف کردی، بعد از آن، نماز را به جا آور. (وسائل الشیعه، باب ۷۶ از ابواب طواف، حدیث ۵) این روایت نیز صحیح است و دلالت آن مانند روایت قبلی است.

۴. رفاعه گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد کسی که بعد از نماز عصر طواف واجب انجام داده، پرسیدم که آیا نماز طواف را بعد از طواف به جا آورد؟ (گویا نظر اهل تسنن این است که نباید بعد از نماز عصر دیگر نمازی خوانده شود) حضرت فرمودند: آری. آیا روایت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشنیدی که می فرماید پسران عبدالمطلب! مردم را از نماز بعد از عصر منع نکنید؛ چرا که با این کار آنها را از نماز عصر منع کرده اید (همان، حدیث ۲) به قرینه اینکه ابن عمیر از رفاعه نقل روایت کرده، معلوم می شود که منظور از رفاعه، رفاعه بن موسی است؛ بنا بر این، سند روایت صحیح می باشد.

اشکال

ممکن است در مورد دلالت این روایات به وجوب موالات بین طواف و نماز، این اشکال مطرح شود که:

این روایت از قبیل «امر در مقام توهّم حذر» است. با این توضیح که در برخی مواقع مخاطب با این توهّم که انجام یک کاری حرام است، از امام در مورد آن فعل سوال می کند و امام برای از بین بردن توهّم و حرمت خیالی، از صیغه امر استفاده کرده اند.

۱. ساعت، در روایات به معنای شصت دقیقه نیست بلکه به معنای لحظه است.

این قالب امری دلالت بر طلب موکد نیست که وجوب از آن استفاده شود، بلکه فقط دال بر این است که انجام آن فعل مجاز است و از آن جواز استفاده می‌شود. در ما نحن فیه نیز چون اکثر عامه تصور می‌کردند که نباید بعد از نماز عصر و یا بعد از نماز صبح نماز خواند، امام علیه السلام برای رفع این توهم می‌فرماید: «بجا آور» یعنی این کار جایز است، نه واجب.

رد اشکال

اگر این روایات، تنها به صورت صیغه امر می‌آمد، شاید اشکال وارد بود، (هر چند چنین حملی نیازمند قرینه است و به صرف احتمال، دلالت روایات از بین نمی‌رود) اما در میان این روایات، دسته‌ای به صورت نهی آمده است. اشکال مزبور به روایاتی که از تأخیر انداختن نماز طواف نهی می‌کند وارد نیست؛ مانند: «أَتَوْخَّرَهَا سَاعَةً إِذَا طُفَّتْ» بنا بر این نماز طواف را باید بلا فاصله بعد از طواف خواند.

نتیجه:

نماز طواف باید بلا فاصله بعد از طواف خوانده شود اما برای بررسی اینکه وجوب در این بحث وضعی است یا تکلیفی، باید گفت که در اجزای مرکب اگر نهی و امری وارد شود، ظهور در امر و نهی وضعی دارد؛ یعنی اگر رعایت نشود عمل باطل است؛ برای مثال، اینکه گفته شده باید بعد از رکوع سجده کرد؛ یعنی این ترتیب شرط است و اگر رعایت نشود اصل عمل باطل می‌گردد.

اما در مسئله نماز طواف، چون در مورد ناسی و جاهل روایات متعددی داریم که اگر کسی از روی نسیان یا جهل، نماز طواف را نخواند می‌تواند آن را در شهر خودش به جا آورد، لذا «فوریت مزبور از باب فوریت شرطی و از باب شرط واقعی و ذکر نیست»، بلکه از باب حکم تکلیفی است، به این دلیل که اگر فوریت شرطیت داشته باشد باید در صورت نسیان و جهل، حج و یا طواف او باطل شود، در حالی که چنین نیست. اما در مورد اینکه آیا در این مسئله می‌توان به قاعده اشتغال تمسک کرد و وجوب شرطیت را ثبات نمود یا خیر؟ باید گفت چون اصل تکلیف به شرطیت فوریت و موالات

مجهول است و اساساً نمی‌دانیم که موالات شرط است یا نه، محل اجرای قاعده اشتغال نیست؛ چرا که قاعده اشتغال در صورتی است که اصل تکلیف معلوم بوده ولی شک در مکلف به باشد.

بخش دوم: موالات و تجدید وضو

اعمال حج به دو قسم تقسیم می‌شود؛ اعمالی که نیازمند طهارت از حدث اصغر و اکبر هستند. و اعمالی که نیازمند طهارت نیستند:

- اعمال قسم اول؛ طواف واجب است و نماز طواف.
- اعمال قسم دوم؛ عبارت است از سعی، تقصیر، وقوف در مشعر، وقوف در عرفات، رمی جمرات و احرام. البته نظر برخی از فقها؛ مانند حضرت امام علیه السلام این است که احوط آن است که در سعی طهارت داشته باشند. (تحریر الوسيله؛ ج ۱، ص ۴۱۸)
- و نیز از میان این اعمال، تنها در طواف، نماز طواف، سعی و رمی جمرات هستند که یا موالات در آنها قطعی است یا اختلافی.

بنا بر این، برای تحقیق در مسأله، باید بین اقسام بالا تفصیل قائل شد:

۱. تجدید وضو در اثنای نماز:

اگر فردی بخواهد در حال نماز تجدید وضو کند، واضح است که به دو علت نمازش باطل می‌گردد:

- به خاطر اینکه نماز بدون طهارت باطل است
- به خاطر به هم زدن شکل نماز و عدم موالات

۲. تجدید وضو در اثنای طواف واجب:

طهارت در طواف واجب، شرط صحت است. لیکن در طواف مستحب، طهارت شرط نیست.

۱. در طواف مستحب موالات و طهارت شرط نیست.

روایت های متعددی در این باره در کتاب وسائل الشیعه (ج ۱۳، ص ۳۷۴) مطرح شده است که به بیان یک مورد بسنده می کنیم:

«محمد بن مسلم نقل می کند که از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در مورد شخصی که طواف واجب را بدون طهارت انجام داده است پرسیدم؟ فرمودند: باید طواف را مجدداً به جا آورد. البته اگر طواف مستحب را بدون طهارت به جا آورده باشد، نیازی به اعاده طواف نیست و باید برای نماز طواف طهارت حاصل کند.»

۱. پس از تمام شدن دور چهارم یا دور ۳.۵؛ باید بنا بر احتیاط واجب آن شوط از طوافش را تمام کند و بعد برود و وضویش را تجدید نماید. (البته اگر حدث اکبر برایش رخ داده باشد باید بلافاصله برای رفع آن اقدام کند) و پس از طهارت، از همان جایی که حدث اصغر یا اکبر برایش رخ داده، طواف را اعاده کند.

۲. پیش از تمام شدن دور چهارم؛ چه حدث اصغر و چه حدث اکبر، باید از طواف خارج شود و پس از کسب طهارت، طواف را از ابتدا انجام دهد. (مناسک حج امام خمینی، ص ۱۳۴)

در این باره روایاتی نقل شده است؛ از جمله آنها است، روایت ابن ابی عمیر. «ابن ابی عمیر از امام باقر یا امام صادقین علیهما السلام در مورد مردی سؤال می کند که در اثنای طواف واجب مُحدث شده و طهارتش را از دست می دهد؟ حضرت می فرمایند: اگر بیش از نصف اشواط را انجام داده تجدید وضو کند و طوافش را ادامه بدهد و اگر کمتر از نصف طواف را به جا آورده، طواف را رها کند و بعد از تجدید وضو، طواف را از ابتدا آغاز کند.» (وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۷۸)

۳. تجدید وضو در اثنای سعی:

در سعی طهارت شرط نیست (همان، ص ۴۹۳)

الف) نظرات فقها:

※ ابوالصلاح حلبی: حکم مولات در سعی، همانند مولات در طواف است. در حین سعی نمی توان نشست ولی می توان استراحت کرد. (الکافی فی الفقه، ص ۱۹۶)

۱. بین فقها در ملاک بودن دور ۴ یا دور ۳.۵ اختلاف است.

* عده‌ای از فقها به‌طور کلی موالات را شرط سعی نمی‌دانند (یا فقط در شوط اول لازم می‌دانند) مانند حضرات آیات؛ امام خمینی، بهجت و گلپایگانی.
 * برخی رعایت موالات را از باب احتیاط لازم می‌دانند؛ مانند مرحوم کاشف الغطا (أنوار الفقاهه - کتاب الحج؛ ص ۱۵۱)، آیات عظام تبریزی، مکارم و سیستانی.
 * عده‌ای دیگر جلوس و خواب و استراحت را جایز شمرده‌اند؛ مانند آیات عظام خامنه‌ای و نوری.

* برخی دیگر نیز موالات عرفیه را لازم شمرده‌اند مانند آنچه از مرحوم شیخ در کتاب مختلف و نیز از شیخ مفید و سلار دیلمی و ابی صلاح در الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (ج ۱۶، ص ۲۸۹) و همچنین آیات عظام شیرازی، صافی، فاضل و وحید.

بررسی مسأله:

ادله بر عدم وجوب موالات:

* اصل عدم وجوب موالات؛ مقتضای اصل فوقانی در اینجا براءت است؛ چرا که شک در اصل اشتراط یا عدم اشتراط موالات در سعی است که محل اجرای اصالة البرائة می‌باشد.

اجماع منقول؛ مثلاً در منتهی (المنتهی، ج ۲، ص ۷۰۷) و تذکره (التذکره، ج ۱، ص ۳۶۷) ادعای لا خلاف شده که می‌توان سعی را در چند مورد قطع کرد.
 * ظاهر برخی اخبار؛ که دلالت دارند؛ می‌توان سعی را به خاطر نماز و استراحت و بر آورده کردن نیاز مؤمن و... ترک کرد.

- در حدیثی صحیح، شخصی از حضرت می‌پرسد: کسی که داخل در سعی بین صفا و مروه شده و وقت نمازش می‌رسد، وظیفه‌اش چیست؟ حضرت می‌فرماید: نمازش را بخواند سپس به سعی خود برگردد. (لکافی، ج ۴، ص ۴۳۸؛ الفقیه ج ۲، ص ۴۱۷)
 - شخصی از امام علیه السلام می‌پرسد: یک شوط سعی کرده‌ام که فجر طلوع می‌کند (یعنی زمان نماز صبح فرا می‌رسد). حضرت می‌فرماید: نمازت را بخوان سپس به سعی خود برگرد و آن را به پایان رسان. (همان)

- در روایتی صحیح آمده است: کسی که در حال سعی بین صفا و مروه است و سه یا چهار شوط سعی هم انجام داده، در همین حین دوستش از او حاجتی

می خواهد یا به خوردن طعام دعوت می کند و... آیا می تواند خواسته اش را بر آورده سازد؟ حضرت در پاسخ وی فرمودند: اگر او را اجابت کند، مشکلی نیست. (الفقیه، ص ۲، ص ۲۵۸؛ التهذیب، ج ۵، ص ۴۷۲)

ادله بر وجوب موالات:

* اصالة الاحتیاط؛ برای این که شخص یقین کند تکلیف از دوشش فرد برداشته شده و بریء الذمه است، باید موالات را در سعی رعایت کند.

* اخذ به مقتضای تأسی؛ یعنی برای اینکه رفتار ما در سعی، همانند معصومین علیهم السلام باشد، باید با موالات انجام گیرد و خللی در آن نباشد.

نتیجه:

با توجه به ادله مطرح شده، می توان گفت موالات در سعی واجب نیست و ادله اثبات وجوب مردود است؛ زیرا همانطور که پیش تر گذشت، محل اجرای اصالة الاشتغال نمی باشد و علاوه بر آن، دلیل دومشان با توجه به روایات متعدد، در این باب قابل قبول نیست. بنا بر احتیاط باید در غیر از نماز و قضای حوائج مؤمن و موارد خاص دیگر - که در روایات استثنا شده است - اموری که به موالات صدمه می زند را ترک کرد. دلیل احتیاط آن است که در روایات اغلب خروج از سعی به خاطر نماز و قضای حاجت مؤمن و موارد خاص دیگر استثنا شده است. پس بهتر است احتیاطاً موالات رعایت شود.

اما در مورد تجدید وضو در حال سعی، باید گفت: بنا بر نظر مشهور و اقوی طهارت از حدث و خبث برای سعی شرط نمی باشد.

- پس اگر این وضو برای اقامه نماز واجب باشد، از جهت اینکه مقدمه نماز بوده و خروج از سعی به خاطر نماز جایز دانسته شده، وضو گرفتن برای این منظور، به- یقین بدون اشکال است.

- اگر تجدید وضو برای غیر از نماز واجب باشد، از آنجا که موالات را شرط ندانستیم، وضو گرفتن هر چند اخلال به موالات هم باشد مشکلی پیش نمی آورد.

- و اگر موالات را شرط بدانیم، فقط در صورتی اجازه به تجدید وضو هست که مستلزم اخلال به موالات عرفی نباشد.

تجدید وضو در اثنای رمی

از آنجا که موالات در رمی شرط نیست، تجدید وضو خللی به رمی وارد نمی‌کند.

تجدید وضو بین نماز و سعی

از آنجا که لازم است سعی بعد از نماز طواف انجام گیرد، ممکن است عده‌ای گمان کنند که این بعدیت باید به صورت متصل باشد؛ یعنی نباید بین نماز و سعی خلل و فاصله ایجاد شود، در حالی که در بخش بعدی مفصل بیان خواهیم کرد که انجام دادن چنین کارهای جزئی و کوتاه، خللی به اتصال این دو نمی‌زند.

تجدید وضو بین طواف و نماز

بی شک لازم است نماز طواف بعد از طواف و به صورت فوری انجام شود،^۱ حال اگر وضوی شخص پس از طواف باطل شد، لازم است تجدید وضو کند و پس از آن، به اقامه نماز طواف پردازد. (پیش‌تر گذشت که بعد از شوط چهارم، بطلان وضو خللی در طواف طواف گزار ایجاد نمی‌کند.)

بخش سوم: فاصله بین نماز طواف و سعی

سوال ۱: آیا لازم است بلافاصله بعد از نماز طواف، سعی را به جا آورند یا می‌توان

بین نماز و سعی فاصله انداخت؟

سوال ۲: مدت جواز تأخیر چقدر است؟

سوال ۳: آیا این تأخیر باید به خاطر یک عذری باشد یا اینکه شخص می‌تواند به-

صورت اختیاری هم تأخیر بیندازد؟

سوال ۴: به فرض عدم جواز تأخیر، حکم در اینجا تکلیفی صرف است یا وضعی نیز

می‌باشد؛ یعنی باعث بطلان طواف و نماز طواف هم می‌شود یا خیر؟

۱. در بخش بعدی به تفصیل خواهد آمد.

نظرات فقها:

جواز و عدم جواز تأخیر:

بیشتر فقها تأخیر اختیاری سعی را تا روز بعد جایز می‌دانند، ولی معتقدند جایز نیست به روز بعد موکول شود. غیر از برخی فقها که احتیاطاً تأخیر به شب را نیز ممنوع کرده‌اند:

(الف) صاحب جواهر، (جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۱۹، ص ۳۹۰) حضرات آیات گلپایگانی، سیستانی، صافی، نراقی، صاحب حدائق (مستند الشیعه، محقق نراقی، ج ۱۲، ص ۱۸۹ و حدائق الناضره، شیخ یوسف بحرانی، ج ۱۶، ص ۲۹۴): اجازه داده است که سعی را تا شب به تأخیر اندازد، ولی به صورت اختیاری مجاز نیست سعی را به فردا موکول نماید.

(ب) مرحوم خوئی: بنا بر نظر اقوی جایز است سعی را تا شب به تأخیر اندازد و جایز نیست به صورت اختیاری به فردا موکول نماید. هر چند احوط این است که بدون عذر معتدبه سعی را به تأخیر نیندازد. (مناسک الحج (للخوئی)، ص ۱۴۹).

(ج) جواز تأخیر به روز بعد؛ یعنی می‌توان به روز بعد موکول کرد.

(د) ظاهر کلام مرحوم محقق: جایز است که سعی را به فردا موکول نماید ولی بیش از آن تأخیر نیندازد (حاشیه شرائع الإسلام؛ ص ۲۷۱).

۲. حرمت تکلیفی یا وضعی:

(الف) عده‌ای عدم رعایت مهلت جایز شده را فقط «حرمت تکلیفی» می‌دانند.

۱. حضرات آیات: امام خمینی و محقق داماد (کتاب الحج، للمحقق الداماد، ج ۳، ص ۵۵۷) بهجت و مکارم: تأخیر سعی بیش از مقدار مجاز حرام است ولی باعث بطلان طواف و صلاة نمی‌شود.

۲. صافی گلپایگانی: اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.

(ب) عده‌ای عدم رعایت مهلت مجاز را «مبطل طواف و نماز طواف» هم می‌دانند.

۱. حضرات آیات: خوئی و فاضل: اگر بدون عذر تا روز دوم و سوم تأخیر بیندازد باید طواف و نماز طواف را هم اعاده کند.

۲. شبیری: اگر تا فردای طواف تأخیر انداخت احتیاط اعاده طواف است.

بررسی مسأله

ادله مطرح در این مسأله:

روایات وارد شده در این باب:

روایات متعددی وجود دارد که بعضی بالاطلاق و بعضی بالصراحه می گویند: جایز است تا شب تأخیر بیندازد و تأخیر به روز بعد جایز نیست. این روایات در باب ۶۰ از ابواب طواف در کتاب وسائل ذکر شده است که متضمن سه روایت صحیح می باشد:

(الف) عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام می پرسد: آیا فردی که وارد مکه شده ولی هوای گرم او را به اذیت و سختی انداخته، اگر طواف را انجام داده باشد، آیا می تواند سعی را تا زمان خنکی هوا تأخیر بیندازد؟ حضرت فرمودند: مشکلی ندارد. حتی خودم هم گاهی همین کار را می کنم.

راوی: دیدم که حضرت سعی را به شب موکول می کنند. (وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۱۰، ابواب طواف، باب ۶۰، حدیث ۱۸۰۸۸، چاپ آل البیت).
صدر این روایت اطلاق دارد و مشخص نکرده است که تا چه مقدار می شود سعی را به تأخیر انداخت، ولی ذیل آن، با صراحت بر مقدار تأخیر اشاره دارد و آن را مشخص کرده و فرموده است: «الی اللیل».

(ب) محمد بن مسلم گوید: از یکی از صادقین علیه السلام پرسیدم: شخصی که طواف را انجام داده ولی خستگی به وی رو آورده است، آیا می تواند سعی را به تأخیر اندازد؟ حضرت فرمودند: آری، می تواند. (همان، ص ۴۱۱، ابواب طواف، باب ۶۰، حدیث ۱۸۰۸۹، چاپ آل البیت).

این روایت نیز اطلاق دارد و مقدار تأخیر در آن بیان نشده است.

(ج) علاء بن رزین از امام باقر یا امام صادق علیه السلام در مورد شخصی که طواف کرده و خستگی بر وی چیره شده می پرسد که آیا می تواند سعی را تا فردای آن روز به تأخیر اندازد؟ حضرت پاسخ می دهند: خیر (همان).

(د) این حدیث از تأخیر سعی به فردا نهی کرده و نسبت به قبل از آن، ساکت است.

البته تعدادی از فقها بر این باور هستند که می‌توان از مفهوم غایت در این روایت استفاده کرد که برای قبل از فردا تأخیر جایز است. اما به نظر می‌رسد که اولاً: در اینجا مفهوم غایت وجود ندارد؛ چون غایتی برای حکم جواز یا عدم جواز ذکر نشده است. آنچه ذکر گردیده بازه زمانی خاصی است که حکم خاصش هم مطرح گردیده است. از مفهوم وصف هم نمی‌توان استفاده کرد. چون این تقیید به تناسب سوال سائل بوده است؛ یعنی امام ابتدا چنینن قیدی نمی‌زنند بلکه سائل در مورد و زمان خاصی از امام سوال می‌کند و امام هم ناظر به سوال سائل پاسخ را می‌گوید؛ لذا نمی‌توان از عدم جواز تأخیر سعی به فردا برداشت کرد که قبل از فردا جایز است.

ه) این روایت که از کتاب کافی است و مضمَر است (یعنی نام معصوم در آن ذکر نشده) ولی صاحب وسائل این روایت را از تهذیب نقل می‌کند که در آن «عن احدهما» (امام باقر یا امام صادق علیهما السلام) آمده است و در نتیجه روایت از اضمار در می‌آید.

۲. اجماع منقول: محقق نراقی و صاحب حدائق ادعای اجماع یا شهرت در این بحث کرده‌اند (مستند الشیعه، محقق نراقی، ج ۱۲، ص ۱۸۹؛ حدائق الناضره، شیخ یوسف بحرانی، ج ۱۶، ص ۲۹۴).

۳. اصول فوقانی: اصالة الصحة و اصالة البرائة بنا بر اصالة الصحة، حجی که در آن بین طواف و سعی فاصله افتاده باشد، و شک کنیم در صحت و بطلان آن حج یا سعی یا طواف، صحیح می‌باشد و بنا بر اصالة البرائة مکلف هیچ تکلیفی در مورد موالات و یا اعاده و قضای طواف و سعی ندارد. اما از آن جا که حج یک عمل توقیفی است، احتیاط آن است فاصله‌ای که از نظر عرفی مخل به هیأت اتصالی باشد انجام ندهد.

نتیجه:

با توجه به ادله مذکور، می‌توان به این نتیجه رسید که فرد می‌تواند بین طواف و سعی فاصله بیندازد اما با توجه به نهی صریح روایت، نباید این فاصله به فردا موکول شود.

بخش چهارم: موالات در رمی

سؤالی که در اینجا طرح می‌شود این است که: آیا در رمی جمرات باید اتصال برقرار باشد؟ یعنی رمی کننده می‌تواند میان هفت عدد سنگی که می‌خواهد به هر یک از جمرات بزند و همچنین بین هر کدام از جمرات فاصله بیندازد؟ در اینکه آیا میان هر کدام از جمرات رعایت موالات لازم است یا نه، تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که رعایت آن لازم نیست. اما بین سنگ‌های هر جمره اختلاف نظریه وجود دارد.

نظرات فقها

* شهید ثانی؛ در بین رمی هفت سنگ، تا قبل از سنگ چهارم باید موالات رعایت شود. اگر قبل از سنگ چهارم اخلاقی در رمی به وجود آید؛ به گونه‌ای که از نظر عرفی موالات از بین برود، باید از اول رمی کند. (الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)، ج ۲، ص ۲۸۲)^۱

* منقول از مرحوم ابن ادریس حلی؛ موالات در رمی شرط نیست. (مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام؛ ج ۸، ص ۲۳۵)

بررسی مساله

اصل اولیه در مسأله، عدم وجوب موالات است؛ زیرا شخص هرگاه شک کند در شرطیت یا جزئیت یک چیزی، اصل براءت جاری می‌شود و عدم اشتراط را ثابت می‌کند. حال باید بررسی شود که آیا دلیل خاص یا عامی وجود دارد که خلاف این اصل را ثابت کند یا خیر؟

روایات مربوط به این بحث، دو دسته است:

۱. روایاتی که ظهور دارد در اشتراط موالات در رمی، قبل از چهار سنگ؛ مانند:

۱. البته فقهای چون مرحوم اشتهدادی نیز بمنظر با شهید هستند. ر. ک: مدارک العروة (للإشتهادی)؛

الف) روایت معاویه بن عمار، به نقل از امام صادق علیه السلام که در باره فردی پرسید: جمره اولی را سه بار سنگ زده و جمره دوم را هفت بار، چه کند؟ حضرت در پاسخش فرمود: باید همه جمرات را از ابتدا ۷ بار رمی کند.

سپس از امام درباره کسی پرسید که جمره اولی را ۴ بار، جمره ثانی را ۳ بار و جمره عقبی را ۷ سنگ زده است، وظیفه اش چیست؟ امام علیه السلام در پاسخش فرمودند: جمره اولی را ۳ بار، دو جمره دیگر؛ هر کدام را ۷ بار سنگ بزنند. سپس درباره کسی پرسید که هر کدام از جمره اول و دوم را ۴ سنگ زده و جمره سوم را ۷ بار؟ حال چه کند؟ امام علیه السلام فرمودند: هر کدام از جمره اول و دوم را ۳ سنگ بزند و نیازی نیست که جمره سوم را سنگ بزند. (تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید، ج ۵، ص ۲۶۵)

ب) علی بن اسباط از امام رضا علیه السلام و او به نقل از امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر فردی جمره‌ها را کمتر از چهار سنگ زده باشد، باید آن جمره و جمرات بعدی را تکرار کند اما اگر چهار سنگ را زده باشد بنا را بر همان چهار سنگ می‌گذارد و ادامه می‌دهد و مشکلی برای جمرات بعدی پیش نمی‌آید. (همان، ص ۲۶۶)

ج) در روایت حسنه حلبی آمده: «فَإِنْ كَانَ قَدْ رَمَى مِنَ الْجُمْرَةِ الْأُولَى أَقَلَّ مِنْ أَرْبَعِ حَصِيَّاتٍ وَ أَتَمَّ الْجُمْرَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَلْيُعِدَّ عَلَى الثَّلَاثِ الْجُمْرَاتِ...» (الكافی، ج ۱، ص ۲۹۸)

۲. روایاتی که ظهور ابتدایی در عدم اشتراط موالات در رمی دارد:

الف) معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمودند: کسی که ۲۱ سنگ را برداشته ولی آخر رمی جمرات یک سنگ اضافه می‌آورد و می‌داند که در یکی از جمره‌ها فراموش کرده، یک سنگ بزند، چنین شخصی باید بر گردد و به هر یک از جمره‌ها یک سنگ بزند. [و این فاصله زمانی، مخل به صحت رمی نیست] (حر عاملی، ج ۱۴، ص ۲۶۸).

این روایت صحیح است و در آن نیامده است که موالات از بین رفته است یا نه.^۱

۱. آیت‌الله مکارم از این روایت برای اثبات عدم اشتراط موالات در رمی استفاده کرده‌اند.

بررسی روایات:

با توجه به روایات متعددی که تفکیک بین رمی سنگ چهارم به بعد با قبل قائل شده‌اند و جایی که موالات از بین رفته و از طرف دیگر کمتر از چهار سنگ رازده، لازم است دوباره آن جمره را و جمرات ما بعد را از اول رمی کند. و این حکم نشان دهنده این است که موالات در رمی کمتر از چهار سنگ شرط است. بر خلاف رمی بیش از ۴ سنگ، که فاصله افتادن و از بین رفتن هیأت اتصالیه مانعی برای صحت رمی نمی‌شود. باید توجه کرد که روایت معاویه بن عمار که برخی فقها برای اثبات عدم اشتراط موالات استناد به آن می‌کنند، در موردی وارد شده که شخص ۶ سنگ رازده است. لذا نمی‌توان از آن اطلاق برداشت کرد؛ چرا که روایات دیگر این اطلاق را تقیید به موردی می‌زنند که بیشتر از ۴ سنگ زده باشد.

نتیجه گیری

با توجه به بررسی‌هایی که انجام شد به این نتیجه رسیدیم که:

۱. واجب است بعد از طواف به صورت فوری نماز طواف را به جا آورد. البته این وجوب وجوب تکلیفی است نه وضعی
۲. تجدید وضو در طواف واجب اگر قبل از شوط چهارم باشد؛ چون طهارت شرط صحت طواف است باعث بطلان طواف شده و باید بعد از طهارت دوباره طوافش را از ابتدا انجام دهد. و اگر بعد از شوط چهارم باشد محدث شدنش مشکلی برای طواف ایجاد نمی‌کند و واجب است که تجدید وضو کرده و به طوافش ادامه بدهد
۳. در سعی موالات واجب نیست.
۴. بین نماز طواف و سعی موالات لازم نیست ولی طبق نهی روایت نباید سعی به روز بعدی موکول شود.
۵. در رمی جمرات نیز مثل طواف قبل از چهارمین سنگ موالات واجب است ولی بعد از سنگ چهارم موالات واجب نمی‌باشد.

۱. ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی، معروف به شیخ الطائفه، ۱۳۶۵ش، تهذیب الأحكام فی شرح المقنعة للشيخ المفيد، دار الكتب العلمیه، تهران، چهارم.
۲. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۲۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه.
۳. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، ۱۴۱۳ق، المقنعة (للشيخ المفيد)، در یک جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ایران، اول.
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ۱۳۷۶ق، تاج اللغة و صحاح العربية، ۶ جلد، دار العلم للملايين - بیروت، چاپ: اول.
۵. حلبي، ابو الصلاح، تقی الدین بن نجم الدین، ۱۴۰۳ق، الکافی فی الفقه، در یک جلد، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام، اصفهان - ایران، اول.
۶. حلبي، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۲ق، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۵ جلد، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد - ایران، اول.
۷. حلبي، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۴ق، تذکرة الفقهاء (ط - الحدیثه)، ۱۴ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول.
۸. حلبي، یحیی بن سعید، ۱۴۰۵ق، الجامع للشرائع، در یک جلد، مؤسسه سید الشهداء العلمیه، قم - ایران، اول.
۹. خامنه ای، سید علی بن جواد حسینی، ۱۴۲۶ق، مناسک الحج (للخامنه ای)، در یک جلد، نشر مشعر، قم - ایران، اول.
۱۰. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، ۲ جلد، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم - ایران، اول.
۱۱. خویی، سید ابو القاسم موسوی، ۱۴۱۱ق، مناسک الحج (للخوئی)، در یک جلد، چاپخانه مهر، قم - ایران، یازدهم.
۱۲. خویی، سید ابو القاسم موسوی، ۱۴۱۸ق، موسوعة الإمام الخوئی، ۳۳ جلد، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، قم - ایران، اول.

۱۳. ديلمى، سلاّر، حمزة بن عبد العزيز، ۱۴۰۴ق، المراسم العلوية و الأحكام النبوية، در يك جلد، منشورات الحرمين، قم - ايران، اول.
۱۴. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، دارالقلم - بيروت، چاپ: اول.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ق، تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان) - تهران، چاپ: چهارم.
۱۶. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعة، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ايران، اول.
۱۷. عاملی، شهيد ثانی، زين الدين بن علی، ۱۴۰۲ق، روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان (ط - الحديثه)، ۲ جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، قم - ايران، اول.
۱۸. عاملی، شهيد ثانی، زين الدين بن علی، ۱۴۱۰ق، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلاتر)، ۱۰ جلد، كتابفروشی داوری، قم - ايران، اول.
۱۹. عاملی، شهيد ثانی، زين الدين بن علی، حاشية شرائع الإسلام، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، قم - ايران، اول.
۲۰. عاملی، محمد بن علی موسوی، ۱۴۱۱ق، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، ۸ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بيروت - لبنان، اول.
۲۱. فيومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، ۲ جلد، مؤسسه دار الهجره - قم، چاپ: دوم.
۲۲. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابويه، ۱۴۱۳ق، كتاب من لا يحضره الفقيه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، دوم.
۲۳. كلینی، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، ۱۴۰۷ق، الكافي (ط - الإسلاميه)، ۸ جلد، دار الكتب الإسلاميه، تهران - ايران، چهارم.
۲۴. گلیایگانی، علی افتخاری، ۱۴۲۸ق، آراء المراجع في الحج (بالعريبه)، دو جلد، نشر مشعر، قم - ايران، دوم.

٢٥. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، ١٤٠٤ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ٤٣ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم.
٢٦. نجفی، کاشف الغطاء، احمد بن علی بن محمد رضا، ١٤٢٣ق، سفینة النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات، ٤ جلد، مؤسسه کاشف الغطاء، نجف اشرف - عراق، اول.
٢٧. نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، ١٤٢٢ق، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحدیثه)، ٤ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمیہ قم، قم - ایران، اول.
٢٨. نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، ١٤٢٢ق، أنوار الفقاهة - کتاب الحج (لکاشف الغطاء، حسن)، در یک جلد، مؤسسه کاشف الغطاء، نجف اشرف - عراق، اول.
٢٩. یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی، ١٤١٩ق، العروة الوثقی (المحشی)، ٥ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزہ علمیہ قم، قم - ایران، اول.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی